

# دیپلماسی نوروز و هم‌گرایی منطقه‌ای

شفیق‌الله شفیق

مقدمه:

رابطه میان نوروز و دیپلماسی دولت‌ها، رابطه‌ی جدیدی نیست، در گذشته‌های دور نیز نوروز به عنوان یک ابزار ژئوپلیتیک در فلات ایران بزرگ مطرح بوده است. چنان‌چه این موضوع در پیش‌کش هدایا در زمان عید نوروز توسط مردمانی از ملل مختلف برای داریوش بزرگ، شاه‌شاهان در دیوارهای کاخ آپادانا به تصویر کشیده شده است. افزون بر آن در دوره اسلامی نیز در هنگام نوروز حاکمان محلی به شاهان بزرگ به مناسبت عید نوروز هدایا ارسال می‌کردند.

مؤرخان باور دارند در دوره سامانیان، غزنویان و تیموریان که امپراتوری بزرگی در ایران شرقی یا خراسان بزرگ بوده اند، امیران و حاکمان محلی به شاه‌های بزرگ در بخارا، غزنه، سمرقند، نیشابور و هرات تحفه نوروزی می‌فرستادند. باید گفت در دوره معاصر طی سال‌های گذشته نیز بزرگداشت از نوروز در میان شماری از کشورهای منطقه با میزبانی تهران، کابل و دوشنبه با پیامی به هدف هم‌گرایی منطقه‌ای مطرح بوده است. هرچندی که حکومت‌های افغانستان در اغلب موارد بنابر ایده‌های ناسیونالیستی افغانی و مذهبی در پی به حاشیه بردن آیین نوروزی و زبان فارسی بوده‌اند که عوامل آن را می‌توان در ناسیونالیسم افغانی/پشتونی جستجو کرد که در واکنش‌های شماری از رهبران ناسیونالیست افغان پیوسته بیگانه‌پنداری از تمدن ایران کهن دیده شده است. با آن‌هم نوروز به عنوان یک جشن مردمی و فرهنگ ریشه‌دار در میان اقوام ساکن در افغانستان و منطقه بگونه‌ی تجلیل شده است که دولت‌ها به استثنای حکومت اندک سالار گروه طالبان مجبور شده‌اند که از این فرصت بنخاطر پیام‌رسانی به مردم خودشان و منطقه استفاده ببرند.

## دیپلماسی نوروز؛

دیپلماسی مهم‌ترین ابزار سیاست خارجی هر دولت بوده و می‌توان گفت نوعی علم، فن و هنر تعامل حکومت‌ها با جهان خارج با هدف تأمین حداکثر منافع ملی‌شان می‌باشد. دیپلماسی به صورت سنتی در حوزه‌های اقتصادی، سیاسی، امنیتی، نظامی و فرهنگی دست‌اندرکار بیش‌تر سازی منافع ملی دولت‌ها است که به مقصد کاهش اختلافات و گسترش روابط مسالمت‌آمیز و صلح‌جویانه در میان ملت‌ها بکار گرفته می‌شود، بگونه‌ی متعارف دیپلماسی بر بنیاد چهار رکن اساسی هدایت می‌گردد: رکن سیاسی، رکن اقتصادی، رکن امنیتی و رکن فرهنگی. دیپلماسی خوب در مناسبات بین‌المللی با روی‌کرد افزایش دوست و کاهش دشمن شناخته می‌شود که گرایش آن فارغ از روی‌کرد سلب‌گرایانه بیش‌تر با روی‌کرد سیاست‌ایجابی هم‌سویی دارد. به همین‌رو نوروز بنخاطر ماهیت غیر ایدئولوژیک و تعلق به یک حوزه بزرگ تمدنی نوعی از دیپلماسی‌ایجابی است که ظرفیت چند فرهنگی و چند ملیتی آن زمینه هم‌گرایی منطقه‌ای را فراهم می‌آورد.

همانطوری که می‌دانیم نوروژ به عنوان یک میراث مشترک فرهنگی ملت‌های منطقه و میراث کهن و باستانی که دارای محتوای صلح‌جویی و هم‌نوع دوستی می‌باشد با پیشنهاد شماری از کشورهای حوزه نوروژ در سال ۱۳۸۸ خورشیدی برابر با ۲۰۰۹ میلادی، ثبت سازمان علمی و فرهنگی یونسکو گردید و در بهمن/دلو سال ۱۳۸۹ خورشیدی برابر با فبروی سال ۲۰۱۰ میلادی به ثبت سازمان ملل متحد به عنوان میراث ارزشمند جهانی رسید. این جشن باستانی اکنون محدوده جمعیت ۳۰۰ میلیونی را احتوا می‌کند که به همین لحاظ فرصت شکل‌گیری سیاست هم‌گرایی منطقه‌ای بخوبی در گستره آن دیده می‌شود.

دیپلماسی نوروژ با آن‌که ظاهراً روی‌کرد و مبنای فرهنگی دارد، اما ظرفیت و ظرافت آیین نوروژ بگونه‌ی قوام و سازمان‌یافتگی دارد که در قلمرو آن اهداف سیاسی، اقتصادی و امنیتی از امکان محقق شدن برخوردار می‌باشد. از این‌رو است که دیپلماسی نوروژ یک عنصر کلیدی در کانون حسن هم‌جواری و سیاست همسایگی و تقویت اندیشه منطقه‌گرایی در میان کشورهای قلمرو نوروژ دانسته می‌شود. دیپلماسی نوروژ با عنصر فرهنگی از یک سو ارمغان اندیشه سبز طبیعت پروری و طبعیت دوستی، آموزه‌های بشر دوستی و صلح‌جویی، تقارن هنرها و فرهنگ‌ها و همین‌گونه اندیشه اقتصاد گردش‌گری را در خود جا داده است و از سوی دیگر بزرگداشت از این جشن بین‌المللی و باستانی در صورتی که در قالب یک "سازمان نوروژی" در میان کشورهای منطقه بگونه دوره‌ای انجام شود، به خوبی می‌تواند زمینه‌گفت‌وگوهای سیاسی را نیز میان سران کشورها پدید آورد. بنابراین، آیین نوروژ از جهات مختلف از نیرویی برای ایجاد یک دیپلماسی فعال منطقه‌ای منجمله دیپلماسی فرهنگی برخوردار می‌باشد که کشورهای منطقه می‌توانند آن را در دستگاه سیاست خارجی خود قرار بدهند.

## دیپلماسی فرهنگی نوروژ

از دیپلماسی فرهنگی نیز تعاریف و تعبیر مختلفی ارائه شده است. دیپلماسی فرهنگی را روش تأثیرگذار مستقیم یا غیرمستقیم در اثرگذاری دولت‌ها، افراد و گروه‌های بویژه بر نگرش سیاست‌مداران و افکار عمومی سایر کشورها دانسته‌اند که این نگرش‌ها و افکار عمومی می‌توانند در شکل‌گیری سیاست خارجی آن کشور نقش مهم داشته باشد. دیپلماسی فرهنگی را هم‌چنین یک بزرگراه دوطرفه بیان کرده‌اند که به منظور ایجاد کانال‌هایی برای ارایه تصاویر واقعی از سایر ملت‌ها و فهم ارزش‌های آن‌ها، مبادله ایده‌ها و نمادهای مشترک جهت انعقاد تفاهم‌نامه‌ها و توافق‌نامه‌های دو یا چندجانبه نیز ذکر کرده‌اند.

هم‌چنین تأثیرگذاری فرهنگ در حوزه سیاست خارجی به حدی است که در عصر کنونی از فرهنگ به عنوان قدرت نرم در سیاست خارجی بحث می‌شود که عنوان دیپلماسی فرهنگی به آن می‌دهند و به معنای استفاده از ابزارها و میکانیسم‌های فرهنگی برای معرفی و انتقال فرهنگ و تمدن یک سرزمین به سرزمین و فرهنگ دیگر است.

پیش‌برد منافع ملی با به کارگیری ابزار فرهنگی ممکن است نتواند جای‌گزین سایر ابزارها همانند ابزارهای سیاسی، اقتصادی و نظامی شود، اما می‌تواند مکمل آن‌ها باشد. مهم‌ترین ارزش فرهنگی که در این نگارش مورد نظر می‌باشد، مناسک، آیین و نمادهای گفتمان تمدنی نوروژ به عنوان عاملی در تحقق هم‌گرایی بین ملت‌ها و بین‌الدول می‌باشد.

در دانش روابط بین‌الملل گفته می‌شود: "خوب‌ترین سیاست خارجی به سیاستی گفته می‌شود که از حمایت قاطبه مردم برخوردار باشد." بنابر این، آیین نوروژ بخودی خود از حمایت همه‌جانبه مردمان منطقه برخوردار است و ظرفیت دیپلماسی فعال منطقه‌ای را در خود پرورانده است. حکومت‌های منطقه می‌توانند از این قوت فرهنگی و هنری در گسترش مناسبات منطقه‌ای خود استفاده نمایند. همان‌طوری که به باور جوزف نای، تیوری پرداز قدرت نرم در روابط بین‌الملل "گسترش مساحت فرهنگی خوب‌ترین ابزار دیپلماسی کشورها است که دولت‌ها بدون تنش و تقابل می‌توانند از طریق آن به اهداف و مقاصد ملی دست پیدا نمایند." باید گفت در سنت جذاب نوروژی با توجه به فرهنگ‌ها و هنرهای گوناگون و نمایش رسوم تاریخی شدت ظرفیت پرورش اقتصاد گردش‌گری وجود دارد، که حکومت‌های منطقه می‌توانند از یک سو در جذب جهان‌گردان منطقه‌ای و جهانی در ایام نوروژ از آن استفاده ببرند و از سوی دیگر هنر و فرهنگ‌های خودشان را به سایر مناطق صادر نمایند و در جهانی سازی این جشن باستانی سهم فعال بگیرند.

آیین نوروژ هدیه خوشی و شادمانی را توأم با بهار فرح بخش طبیعی به مردمان کشورهای منطقه به ارمغان می‌آورد. هیچ ملتی با پیام نوروژی احساس بیگانگی نمی‌کند. اضافه بر آن در هنگام نوروژ ملت‌ها فرصت می‌یابند که هنرها و فرهنگ‌های بومی خویش را به نمایش بگذارند. از این‌روی نوروژ نمایشگاه خودجوش ملی و بین‌المللی هنرها و فرهنگ‌ها در سطوح مختلف از سطح روستاها تا سطح شهرستان‌ها و شهرها دانسته می‌شود که در عصر تکنالوژی و ارتباطات همگانی از آن رونمایی می‌گردد و جذابیت هنری

و فرهنگی آن با تنوع و کثرت باورها و سلیقه‌های اقوام پیوند خورده است که در واقع پیام آن گفت‌وگو میان علایق هنری و فرهنگی ملت‌های حوزه نوروژ می‌باشد. به همین روی آیین نوروژ فراتر از دیپلماسی فرهنگی حکومت‌ها، دیپلماسی فرهنگی ملت‌های منطقه است که مردمان منطقه با پیام آشتی، صلح‌جویی، هم‌نوع دوستی ابتکار آن را در دست دارند.

### بررسی شاخص‌های منطقه‌ای نوروژ؛

از آن جایی که دیپلماسی هم‌گرایی در دانش روابط بین‌الملل، حول منطقه واحد تعریف و تبیین می‌گردد. نخستین پرسشی که مطرح می‌شود این است که قلمرو نوروژ از کدام جهات و ویژگی‌های یک منطقه واحد را در سطح نظام بین‌الملل دارا است. چون هم‌گرایی محصول دست کشیدن دولت‌ها از حاکمیت تام‌ملی به نفع تعامل، هم‌بستگی و روابط متقابل در سطح نظام بین‌الملل به مقصد الحاق شدن به سیاست منطقه‌ای می‌باشد. همان‌طوری که گفته شده است، در فرآیند هم‌گرایی، ملت‌ها و رهبران سیاسی در می‌بایند که نیل به اهداف و منافع ملی‌تن‌ها در سایه تصمیم‌گیری جمعی و مشارکت در نظام هم‌گرا بیش‌ترین مطلوبیت و بهره‌دهی را به همراه دارد. از این روی منطقه دارای یک سلسله ویژگی‌های خاصی است که زمینه شکل‌گیری و اجرایی‌سازی دیپلماسی منطقه‌گرایی را در دستگاه سیاست خارجی کشورها فراهم می‌کند. بر بنیاد نظریه نیورالیسم، یک منطقه در نظام بین‌الملل با چهار عنصر: عامل جغرافیای پیوسته، تاریخ و تمدن مشترک، درهم‌تنیدگی بافت‌های فرهنگی و قومی و هم‌سوئی نظام‌های سیاسی، تعیین و تعریف می‌شود. چنان‌چه دیده می‌شود قلمرو نوروژ از این حیث دارای یک سلسله شاخص‌های مطلوب برای هم‌سوئی و هم‌گرایی است و در عین حال دارای چالش‌هایی نیز می‌باشد.

### عنصر جغرافیای پیوسته:

کشورهای حوزه نوروژ در منطقه اوراسیا، آسیای غربی، آسیای میانه و آسیای جنوبی واقع شده‌اند که از نظر جغرافیایی این کشورها به هم پیوسته‌اند، این پیوستگی افزون بر عامل جغرافیایی، دارای پیشینه فرهنگی و سیاسی نیز بوده است، همان‌طوری که در دوره باستان، امپراتوری‌های هخامنشی، اشکانی و ساسانی تقریباً در همین مساحت جغرافیای بزرگ البته با در نظر داشت حالت نوسانات گاهی بیشتر از این محدوده و گاهی کوچک‌تر از این مساحت استقرار داشته‌اند.

(نقشه کشورهای حوزه نوروژ جایجا بشود)

از این امر نتیجه می‌گیریم که جهان‌گشایی‌های باستانی و جهان‌گشایی‌های دوره پسا ظهور اسلام با حاکمان اقوام ایرانی و تورانی روی نهادینه شدن آیین نوروژی در این منطقه به هم پیوسته بی‌تاثیر نبوده‌اند. هر چند در دوره نظم و ستفالی و شکل‌گیری دولت‌های ملی باعث شده که مردمان این منطقه در چارچوب هویت‌های محلی منقسم شوند. اما آیین نوروژ یک قلمرو وسیع را از غرب آسیا تا شمال غرب چین و از اوراسیا تا جنوب آسیا را درنوردیده است.

### ۱. عنصر تاریخ و تمدن مشترک:

بر اساس بررسی‌های تاریخی، قلمرو نوروژ با اقوام گوناگون دارای سرگذشت و مدنیت مشترک دانسته می‌شود، که مهم‌ترین عنصر هویتی قلمرو نوروژ با هویت اقوام آریایی و تورانی پیوند خورده است. این اقوام طی قرون متمادی در همسایگی هم زیسته‌اند و تجربه ایجاد تمدن و تاریخ مشترک را در کارنامه خویش دارند و بدون تردید نوروژ یکی از آن نمادهای مدنیت مشترک میان ملت‌های منطقه گفته می‌شود.

### ۲. عنصر درهم‌تنیدگی فرهنگی و زبانی:

در دوره معاصر با شکل‌گیری دولت-ملت‌ها با مرزهای سیاسی جدید، هویت یک‌پارچه تمدن مشترک، میان کشورهای منطقه به هویت‌های قومی فروکاست پیدا نمود. در حالی که شماری از کشورها با نام و نشان قومی ایجاد شدند، اما هیچ‌کدام آن‌ها دارای هویت یک‌دست قومی نیستند؛ چون بافت‌های فرهنگی و قومی در منطقه در توالی تاریخ بگونه‌ی شکل یافته است که امکان یک‌دست بودن هویت تک‌قومی را می‌گیرد. از این جهت تمام کشورهای حوزه نوروژ با هم‌دیگر خویشاوندی فرهنگی و زبانی دارند. چنان‌چه در کشورهای آسیای میانه، افغانستان، پاکستان و ایران تا آذربایجان و ترکیه، مردمان آریایی و تورانی، با هویت‌های

قومی شان پراکنده و تکثیر شده‌اند. این درهم تنیدگی و خویشاوندی می‌تواند ما را به سوی هم‌گرایی منطقه‌ای باخوانش دیپلماسی نوروژ سوق دهد.

### ۳. عنصر نظام‌های سیاسی:

با آن‌که شاخص‌های منطقه نوروژ از نظر پیوستگی عوامل جغرافیایی، تاریخی و قومی، بیش‌تر به نفع شکل‌گیری دیپلماسی نوروژ حول هم‌گرایی منطقه‌ای واقع شده است. اما آن‌چه زمینه‌های دیپلماسی منطقه‌گرای را برپایه آیین نوروژ با ممانعت روبرو می‌نماید، استقرار نظام‌های سیاسی با منابع مشروعیت بخش و هویت‌های مختلف و حتی متضاد ایدئولوژیک است. همان‌طوری که باری بوزان دانشمند مکتب نیوریالیسم باور دارد: "اغلب اختلافات در مناسبات بین‌المللی که نظام بین‌الملل را با شرایط هابزی مواجه می‌سازد، به چگونگی نظام‌های سیاسی رابطه دارد که دولت‌ها را بسوی اختلاف و تقابل می‌کشاند". او از مناسبات خصومت‌زای اردوگاه شرق به رهبری اتحاد شوروی سابق با اردوگاه غرب به رهبری ایالات متحده در زمان جنگ سرد با ایدئولوژی کمونیسم و لیبرالیسم و از اختلاف تاریخی هند و پاکستان که هر دو دارای بنیادهای هویتی متضاد حول دین هستند، به این نتیجه می‌رسد که منابع مشروعیت بخش نظام‌های سیاسی سبب اختلاف و تنش پایدار میان بازیگران بین‌المللی می‌باشد. هرگاه منابع مشروعیت بخش نظام‌ها در هم‌سوئی هم واقع گردد، مناسبات دولت‌ها با دوستی رقم می‌خورد. چنان‌چه اتحادیه اروپا افزون بر عوامل فرهنگی، تاریخی و پیوستگی جغرافیایی، محصول نظام‌های دموکراتیک و هم‌سو دانسته می‌شود.

باید اذعان کرد که منطقه نوروژ با آن‌که از منظر تاریخی، فرهنگی و جغرافیایی ویژگی‌های مناسب را برای شکل‌گیری دیپلماسی نوروژ دارا است، اما از جهت عامل سیاسی که مرتبط به نوعیت نظام‌های سیاسی کشورهای منطقه دانسته می‌شود، گرفتار واگرایی شدید می‌باشد. به‌همین خاطر دیپلماسی نوروژ بنا بر اختلافات ایدئولوژیک میان حکومت‌ها تبارز آن‌چنانی نیافته، حتی ناهمگونی نظام‌های سیاسی مانع هم‌بستگی منطقه حوزه نوروژ گفته شده است. درحالی‌که فراتر از حکومت‌ها مردمان این منطقه در ایام نوروژ به مراتب هم‌بستگی و هم‌دلی شان را بخاطر برپایی این جشن تمدنی و تاریخی به نمایش می‌گذارند.

### دیپلماسی نوروژ به عنوان راه حل چالش‌های منطقه‌ای؛

با بررسی علمی و پژوهشی در پیوند به منطقه نوروژ به این باور نزدیک می‌شویم که منطقه نوروژ افزون بر موجودیت نظام‌های سیاسی با ایدئولوژی‌های مختلف، دارای دو چالش عمده دیگر نیز می‌باشد، که برعکس مشکل اولی که در سطح ممانعت هم‌گرایی منطقه‌ای بروز پیدا می‌نماید. مشکلات در عرصه نارسایی پروسه دولت - ملت سازی و آلودگی محیط زیست زمینه‌ها را برای طرح‌گفتمان دیپلماسی نوروژ فراهم می‌آورد که تا حکومت‌ها با اتکاء به هم‌گرایی منطقه‌ای در پی راه حل معقول چالش‌های خویش شوند.

### ۱. پروسه ناتمام دولت - ملت سازی در حوزه نوروژ:

یکی از چالش‌های عمده منطقه نوروژ رابطه به پس ماندگی شماری از کشورها در تشکیل جامعه ملی دارد که اغلب مرزبندی‌های این واحدهای بین‌المللی محصول سیاست‌های استعماری قرن ۱۹ و ۲۰ دانسته می‌شود. چنان‌چه تمامیت ارضی آن‌ها بصورت غیر طبیعی، با تعدد گروه‌های قومی که تقریباً این گروه‌های قومی در موازنه‌ی هم قرار دارند پدید آمده‌اند که امکان شکل‌گیری سیاست تک‌هویتی در این سرزمین‌ها را ناکام ساخته است. در این میان افغانستان یکی از نمونه‌های پروسه ناکام دولت - ملت سازی حول هویت افغانی می‌باشد. چون این کشور با داشتن اقوام تاجیک، افغان/پشتون، هزاره و اوزبیک به گونه‌ی واقع شده است که باتمام کشورهای همسایه پیوند و خویشاوندی زبانی و قومی دارد. این پیوند با آن‌که از یک سو یکی از چالش‌های عمده فرا روی شکل‌گیری نظم سیاسی - دولت ملی و با ثبات است. از طرف دیگر تجربه جنگ‌های داخلی و پروسه ناقص دولت سازی تک‌هویتی در این کشور ناظران را به این باور می‌رساند که رو آوردن به دیپلماسی منطقه‌ای بخاطر کاهش اختلافات قومی یک راه حل مناسب خواهد بود؛ چون قوم افغان/پشتون از طریق هم‌گرایی منطقه‌ای می‌تواند هم‌بستگی فرهنگی خود را با پشتون‌های پاکستان بازیابد، و تاجیکان و سایر فارسی‌زبانان افغانستان از طریق گسترش رابطه خویشاوندی و فرهنگی با ایران و تاجیکستان و آسیای میانه به قناعت برسند و همین‌طور اوزبیک‌ها و ترکمن‌ها از طریق وابستگی‌های فرا محله با هم‌تباران خود رابطه ایجاد نمایند. از این رو چالش‌های فرو ملی در دل خود یک فرصت تاریخی به مقصد هم‌گرایی منطقه‌ای نیز دارد.

باید اضافه کرد دولت‌های اروپایی پس از جنگ جهانی اول و دوم که بیش‌تر روی انگیزه‌های گسترش جغرافیا و ناسیونالیسم تباری اتفاق افتاده بود به این نتیجه رسیدند که مرزهای ملی را نمی‌توان با عنصر قومی و زبانی تغییر داد، بجای آن سیاست

هم‌گرایی منطقه‌ای را پیش گرفتند. بنابراین دیپلماسی نوروژ نیز برای حکومت‌های منطقه می‌فهماند که یکی از راه‌های حل مناسب اختلافات فرو ملی رو آوردن به هم‌گرایی منطقه‌ای است. قابل یادآوری است اختلافات قومی در واحدهای بین‌المللی تقریباً به عنوان یک پدیده‌ی عام در میان شماری از کشورهای حوزه‌ی نوروژ وجود دارد، که دیپلماسی نوروژ، می‌تواند کشورهای منطقه را به بازخوانی خویشاوندی تمدنی دعوت کند و زمینه‌ی رسیدگی به این اختلافات را از طریق ورود به سیاست منطقه‌ای حل و فصل نمایند. چون تجربه نشان داده است که معمولاً حل اختلافات قومی از دو طریق دنبال می‌شود: یک تجزیه و خودمختاری ملی و دوم حواله دادن مشکلات داخلی به هم‌گرایی منطقه‌ای. سامویل هاتینگتون در مورد تجزیه می‌گوید: "نظام بین‌الملل دارای عرف سخت‌گیرانه در ارتباط به تجزیه‌ی کشورها است همانند عرفی که در پیوند به طلاق زن و شوهر در قرن ۱۸ و ۱۹ در فرهنگ‌های سنتی جریان داشت." از آنجایی که اغلب اختلافات قومی و خودمختاری ملی تا این‌که به غایت تجزیه و استقلال باشد، به مقصد رسیدن به حقوق اساسی شهروندی و هم‌بستگی فرهنگی با هم‌تباران بیرون مرزی مطرح می‌شود. پس هم‌گرایی منطقه‌ای یکی از راه‌های حل برای کاهش اختلافات فرو ملی خواهد بود که در پرتو دیپلماسی نوروژ امکان تبارز پیدا خواهد نمود.

### ۱. آلودگی محیط زیست در حوزه نوروژ:

همان‌طوری که مشاهده می‌شود یکی از چالش‌های جدی حوزه‌ی نوروژ مشکل برخاسته از محیط زیست است. خشک‌سالی، کمبود آب، اختلافات روی منابع آبی، آلودگی آب و هوا از عمده‌ترین مشکلات محیط زیست منطقه نوروژ گفته شده است. درحالی که تجربه جهانی نشان می‌دهد رسیدگی به مشکلات زیست محیطی از طریق پالیسی‌های ملی کم‌تر امکان مؤفقیت را در پی دارد. چون موضوع آلودگی و تخریب محیط زیست ماهیت منطقه‌ای و جهانی دارد. از این رو رسیدگی به این مشکل نیز مستلزم سیاست منطقه‌ای و جهانی می‌باشد. بنابراین آیین نوروژ افزون بر ابعاد فرهنگی و سیاسی در پیشگاه نیاکان ما دارای فلسفه طبیعت دوستی و طبیعت پروری نیز بوده است. همان‌طوری که گیرشمن دانشمند ایران شناس در مورد تمدن ایران شهر می‌گوید: "اقوام ایران کهن دارای تمدن قدیمی بوده‌اند و در ترویج اندیشه کشاورزی، دام پروری و صنعت آبیاری در میان ملل جهان نقش مهم ایفا کرده‌اند." باید اضافه نمود، نوروژ ظرافت و ویژه‌یی در ترویج اندیشه سبز دارد که حکومت‌ها می‌توانند از طریق سنت‌های نوروژی، فرهنگ حفاظت از محیط زیست را پخش و همگانی بسازند و در برابر مشکلات موجود محیط زیست با تکیه به هم‌گرایی و هم‌بستگی مقابله نمایند. از این رو، نوروژ یک فرصت ظریف در دل مشکلات محیط زیست در منطقه است که می‌توان با دیپلماسی نوروژ زمینه‌های همکاری منطقه‌ای را در جهت مقابله با آن مشکلات دنبال کرد.

### حرف اخیر؛

یکی از تفاوت‌های اساسی در دیپلماسی نوروژ با سایر عوامل مهم و مؤثر در دیپلماسی فرهنگی در این است که نوروژ یک پدیده غیر ایدئولوژیک است. در عین حال این رسوم باستانی در تمدن منطقه بگونه‌یی اتفاق افتاده است که همه ملت‌ها و فرهنگ‌های منطقه خود را صاحب و میراث‌دار آیین نوروژ تصور می‌نمایند. اضافه بر آن در آیین نوروژ، طبیعت دوستی و طبیعت پروری به مقصد حفاظت از محیط زیست سالم به عنوان یک اخلاق نیکو و زیبایی شناختی نهفته است، که این ویژه‌گی نوروژ زمینه را برای گفتمان دیپلماسی محیط زیست نیز فراهم می‌آورد. از طرف دیگر تنوع رسم‌های هنری و فرهنگی در دل نوروژ ارمغان اندیشه اقتصاد گردش‌گری پنداشته می‌شود که حکومت‌ها از آن طریق می‌توانند برای تقویت و حفاظت هنرهای تاریخی و اقتصاد ملی شان استفاده ببرند. باید اضافه نمود که جشن مردم محور نوروژ بصورت طبیعی از حمایت مردمان منطقه‌ی ما برخوردار می‌باشد. برای حکومت‌ها و رهبران سیاسی نیز فرصت می‌دهد که از طریق دیپلماسی نوروژ "سازمان منطقه‌ای نوروژ" را ایجاد نمایند که ریاست و میزبانی آن همه ساله در میان کشورهای منطقه بصورت دوره‌ای انجام پذیرد و در گستره این سازمان به حل اختلافات از طریق پیام‌ها و نشست‌های دیپلماتیک متوسل شوند.